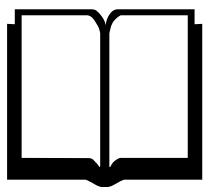


۴- گزینه (۱):

ترجمه صورت سؤال: مخاطب می خواهد چگونگی رفتن دانش آموز را بداند، پس به او می گویم: دانش آموز ..... رفت.  
توضیح: اگر کلمه کیفیّه از مصدر (الذَّهَاب: رفتن) پرسش کند، در جواب باید مفعول مطلق نوعی بیاید. در نتیجه گزینه (۱) صحیح است که جواب می دهد «به سرعت». گزینه (۴) ذاهبه اسم فاعل است و نمی تواند مفعول مطلق واقع شود بلکه حال است.

۵- گزینه (۱):

سؤال مفعول مطلق تأکیدی را می خواهد. در گزینه (۱) يُصَدِّقُ فعل جمله و تَصَدِيقاً مفعول مطلق تأکیدی آن است. گزینه های دیگر:  
۲- تکریماً: مفعول مطلق نوعی، حسناً، صفت آن است و فعلش؛ يُكْرِمُ. ۳- ببقی، فعل جمله است و بقاء، مصدر آن و چون غَيْرَ زَائِلٍ، صفت برای آن بشمار می رود، مفعول مطلق نوعی است. ۴- يُجَاهِدُونَ فعل و مُجَاهِدَةً، مفعول مطلق نوعی آن می باشد زیرا الْمُتَوَكِّلِينَ مضافٌ الیه آن است.



## « آدابُ الكلام »      « الدرسُ الخامس »

### ۷- « منادی »

**منادا:** اسمی است منصوب ( مَـ ) که مورد ندا واقع می شود و در واقع مفعولی است برای فعل محذوف.

مثال: يا الله! يا استاذ! يا فاطر السموات! يا بصيراً بالعباد! يا أيها الناس!

#### نکات منادی:

(۱) گاهی حرف ندا از ابتدای منادی حذف می شود، که در این صورت در جمله قرینه ای وجود دارد که بیانگر منادی بودن کلمه مورد نظر است.

قرینه ای که می تواند دلالت بر وجود منادی کند بیشتر فعل مخاطب و یا ضمیر مخاطب است:

**مثال ۱:** رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ. (رب: منادا، زیرا در جمله بعدش ضمیر «ك» ، مخاطب است و به «رب» باز می گردد).



**مثال ۲:** رَبَّنَا يَعْلَمُ مَا فِي صُدُورِنَا . ( رَبُّ : مبتدا و مرفوع ؛ زیرا «يعلمُ» فعل غائب است و خبر برای « رَبُّ » می‌باشد.) بنابر این چون بعد از اسمِ اوّل جمله، فعل (یا ضمیر) غائب آمده، آن اسمِ اوّل حتماً مبتدا می‌باشد.

**تذکره ۱:** گاهی ممکن است بعد از منادایی که حرف ندا (یا) ندارد، حرف یا اسمی (مبتدا) بیاید که دلالت بر آغاز جمله داشته باشد، آن اسم اول جمله منادا است.

**مثال:** رَبَّنَا ! إِنَّا سَمِعْنَا مَنَادِيًّا يَنَادِي لِلإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا . ( رَبُّ : منادا، زیرا جمله با « إِنَّ » شروع شده و « إِنَّ » سرآغاز جمله جدیدی است پس دلالت بر منادی بودن « رَبُّ » دارد .

**تست:** عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَنَادِيُّ :

- (۱) رَبَّنَا لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا  
 رَبِّي الَّذِي رَزَقَنَا النَّعْمَ الْوَافِرَةَ.  
 (۲) رَبِّي الَّذِي رَزَقَنَا النَّعْمَ الْوَافِرَةَ.  
 (۳) رَبِّي كَرَّمْتَ الْعِلْمَ وَالْعُلَمَاءَ بِالْإِسْلَامِ.  
 (۴) إِلَهِي وَرَبِّي إِقْضِ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

پاسخ: گزینه ۲

توضیح گزینه‌ها:

(۱) لَا تَحْمِلْ: فعل نهی و مفرد مذکر مخاطب است، پس «رَبُّ» منادا است. (۲) «رَزَقَ»: مفرد مذکر غائب است و ضمیر مخاطبی نیامده که دلالت بر مخاطب بودن آن کند. بنابر این «رَبُّ» مبتدا می‌باشد و «الَّذِي» خبر است. (۳) «كَرَّمْتَ»: فعل مفرد مذکر مخاطب است پس دلالت بر منادی بودن «رَبُّ» در اوّل جمله دارد و (۴) «إِقْضِ»: فعل امر مخاطب است پس «إِلَهِي وَرَبِّي» منادی می‌باشند.

**تذکره ۲:** اگر حرف «یا» از ابتدای «یا اللهُ!» حذف شود یک «م» به پایان آن افزوده می‌شود و به اللهُ تبدیل می‌شود.

یا اللهُ ← حذف «یا» ← م + ← اللهُ : (یا اللهُ و اللهُ هر دو منادا هستند با یک معنی.)

**تذکره ۳:** گاهی ممکن است بعد از منادایی که حرف ندا (یا) ندارد، اسم استفهامی بیاید و دلالت بر منادی بودن آن اسم داشته باشد.

**مثال:** طالب! هل أدی التلاميذ الامتحانات؟ «طالب»: منادا

**تذکره ۴:** وجود ضمیر متکلم یا فعل متکلم می‌تواند نشانه جمله جدید باشد.

**مثال:** أُمِّي أَنَا أَعْمَلُ وَاجِبَاتِي حَتَّى تَرْضَى عَنِّي! «أُمِّي» منادا است زیرا «أَنَا» ضمیر متکلم وحده است و ابتدای جمله محسوب می‌شود پس یک جمله جدید است.

(۲) اگر بعد از حرف ندای «یا» اسم «ال» دار بیاید، باید قبل از آن از «أَيْهَا» برای مذکر و از «أَيْتُهَا» برای مؤنث استفاده نمود که در این صورت «أَيْهَا و أَيْتُهَا» را با آن اسم «ال» دار گروه منادایی می‌گیریم.

**مثال:** يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ! گروه منادایی / يَا أَيُّهَا النَّسَاءُ!

توجه: اگر ائِها و ائِتها بدون «ها» به کار روند دیگر منادا نیستند.

تست: عین الصَّحیح :

(۱) یا الرِّبِّعِ مَتَى تَأْتِي؟! (۲) یا ائِها مسلمون اُتحدوا! (۳) یا ائِها الارضُ مَتَى تَبْتَسِمِينَ؟! (۴) ائِتها الشَّمْسُ اُنْزِرِي!

– اشکال گزینه‌ها : (۱) بعد از «یا» اسم «ال» دار آمده ، پس باید قبل از آن «ائِها» آورده شود .

(۲) اسم بعد از «ائِها» باید «ال» داشته باشد. بنابراین «المسلمون» صحیح است . (۳) چون کلمه «الارض»

مؤنث است ، باید از «ائِتها» استفاده نمود . پاسخ گزینه «۴»

۵- اگر منادا ، به «ی» متکلم وحده مضاف شود، ممکن است ضمیر «ی» متکلم از پایان منادا حذف شود، در این صورت

منادا به چند شکل نوشته می‌شود.

مثال: یا رَبِّي ← یا رَبُّ ← رَبُّ / یا اَبِي ← یا اَبْتِ ← اَبْتاه / یا اُمِّي ← یا اُمّاه ← اُمّاه

← با ضمیر متکلم، (أنا، نحنُ) شروع شود.

← با «إِنَّ» شروع شود.

← با ادوات استفهام؛ هَلْ، كَيْفَ، و .... شروع شود.

← یا هر چیزی که دلالت بر اول جمله داشته باشد مانند حروف عطف ( و - فَ ... )

شروع شود.

**منظور از جمله جدید**

تست :

۱- میز «أسلوب النداء» فی العبارات التالية:

(۱) رَبِّي وَهَبَ لِي رِزْقًا حَلالًا طَيِّبًا.

(۲) رَبِّي هُوَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

(۳) رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا صِيَامَنَا وَقِيَامَنَا.

(۴) رَبَّنَا يَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَيَكْفُرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا.

۲- عین ما لیس منادی :

(۱) رَبِّ لَيْتَنِي كُنْتُ إِنْسَانًا مَجْهَازًا بِجَنَاحِينَ ، الْعِلْمُ وَالدِّينُ !

(۲) رَبَّنَا عَلَّامُ الْغُيُوبِ وَ يَعْلَمُ مَا فِي صُدُورِنَا !

(۳) إِلَهِي أَصْبَحْتُ حَزِينَةً لِأَنَّيَ مَا اسْتَطَعْتُ مُسَاعَدَةَ الْآخِرِينَ !

(۴) رَبِّي لَقَدْ أَخْطَأْتُ ، فَاعْفُ عَنِّي !

۳- عین الصَّحیح فی المنادی:

(۱) یا الطَّالِبُونَ ! اجْتَهِدُوا فِي الْكِتَابِ الْعِلْمِ.

(۲) أَيُّهَا رِجَالُ! اطْلُبُوا سَبِيلًا لِلْوَصُولِ إِلَى الْحَقِّ.

(۳) یا رَافِعِ الدَّرَجَاتِ! ارْفَعْ دَرَجَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فِي الْآخِرَةِ.

(۴) الطَّالِبُ يَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ فِي جَمِيعِ الْحَالَاتِ.

۴- عین غیر المناسب للفراغ: «يا...! العلم يحرس... و ... المال»

(۱) تَلْمِذَاتُ / كُنَّ / أَتُنَّ يَحْرَسْنَ

(۲) مَرِيْمُ / كَ / أَنْتِ تَحْرَسِينَ

(۳) مُسْلِمِي الْعَالَمِ / كُمْ / أَنْتُمْ تَحْرَسُونَ

(۴) وَلَدُنَا / كَ / أَنْتَ تَحْرَسُ

## ۵- عین العبارة الّتی حذفت فیها أداة النداء :

- (۱) صادق الوعد اعلم بوعدک.  
(۲) ربکم أعلم بما فی صدورکم.  
(۳) ربنا الّذی أعطی کلّ شیء خلقه ثمّ هدی.  
(۴) آل بیت رسول الله محبوبون عند جمیع المسلمین!

پاسخ تشریحی:

۱- گزینه (۳) :

در گزینه (۳) فعل «تَقَبَّلَ» امر مخاطب است، پس «ربّنا» منادا است ولی در سه گزینه دیگر فعلها بصورت غائب آمده اند که اسم اول جمله مبتدا می شود نه منادا.

۲- گزینه (۲) :

در گزینه (۲) هیچ قرینه ای برای منادا بودن «ربّنا» وجود ندارد، «ربّنا» مبتدا و مرفوع است: پروردگار ما دانای پنهان هاست و می داند آنچه را که در دلها می باشد. در گزینه های دیگر ضمیر یا فعل متکلم وحده وجود دارد که دلیل صحبت شخص متکلم با یک مخاطب است که آن مخاطب منادا می باشد. ۱- بعد از «ربّ» ضمیر متکلم وحده به همراه لیت آمده است و قرینه ای برای منادا بودن است. در واقع من مشغول صحبت با خدا هستم: ای پروردگار! ای کاش من انسانی مجهز به دو بال علم و ایمان بودم. ۳- وجود «أَصْبَحْتُ وَأَنْتَ وَاِسْتَطَعْتُ» که هر سه متکلم وحده هستند دلالت بر منادا بودن الهی دارد. ۴- فعل «أَخْطَأْتُ» نیز به همراه «عَنْی» متکلم وحده است ضمن اینکه فعل «أَعْفُ» امر مخاطب است که به ربّی اول جمله بر می گردد، پس «ربّی» منادا است!

۳- گزینه (۳) :

در گزینه (۱) چون «الطّالِبونَ» با ال آمده حتماً باید قبلش «أیها» می آمد. در گزینه (۲) چون «أیها» آمده حتماً باید اسم بعدش ال بگیرد «الرجّالُ» صحیح است. در گزینه (۴) «الطّالِبُ» مبتدا است زیرا «یَتَوَكَّلُ» فعل غائب می باشد.

۴- گزینه (۱) :

در جای خالی اول منادا می خواهیم و هر اسمی قرار دهید باید ضمیر در جای خالی دوم و فعل در جای خالی سوم با آن اسم اولی تناسب صیغه ای داشته باشد. در گزینه (۱) «أَنْتَنْ» با فعل بعدش تناسب ندارد و «تَحْرُسَنَّ» صحیح می باشد زیرا منادا مخاطب بوده و ضمائر جمع مؤنث مخاطب می باشند.

۵- گزینه (۱) :

سؤال: در کدام گزینه حرف ندا حذف شده است یعنی کدام گزینه منادا دارد؟

چون در گزینه (۱) بعد از «صَادِقَ الْوَعْدِ» فعل امر «إِعْمَلْ» آمده است پس صادق منادا است. در گزینه (۲ و ۴)، جمله اسمیه است و اسم اول جمله مبتدا می باشد چون هیچ یک از قراین ذکر شده برای منادا در آن دو نیامده و در گزینه (۳) هم فعل «أَعْطَى» مفرد مذكر غائب بکار رفته است بنا بر این «ربّنا» مبتدا می باشد.

« مِنْ اللَّهِ التَّوْفِيقُ »

پایان